

خرج کردن خود در بازار دنیا

بعد از این که آدمی خود را شناخت، استعدادهایش را کشف کرد و نیازهایش را یافت، می ماند خریداری که زندگی را برایش خرج کند... خریداری که بیش از آن که به فکر خودش باشد، به فکر من باشد. یادم باشد سرمایه ای داشتم که قرار بود سودش را هم به صاحب سرمایه برگردانم:

«انا لله و انا الیه راجعون»

چه بخوایم و چه نخواهیم زندگی ام صرف کارهای متفاوتی می شود؛ پس چه بهتر که زندگی ام خرج بهترین ها شود. بازار دنیا اینگونه نیست. دنیا ما را می خواهد برای خودش ولی خدا ما را می خواهد برای خودمان...

هنگامی که یک عمر برای دلم دویدم، نتیجه اش چه می شود؟ هنگامی که یک عمر برای هوس های مردم سوختم، آن ها به من چه می دهند؟ جز چند تا آفرین و یک دقیقه کف زدن و چهار دقیقه سکوت! یادم نرود جناب زیر را که شمشیرش عمری مشکلات پیامبر را حل می کرد، چگونه به خاطر دنیاخواهی، در جنگ جمل ذلیل شد. او خودش را باخت در بازار دنیا... کسانی که خریدارشان خداست، همیشه به سمتش در حرکت اند، درنگ بس است...